



Philosophical Schools of International and Islamic Law

Batool Gorgin¹, Hamid Splimani², Fateme Azizzadeh^{3*}

1. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Rahjooyan University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 71-86

Article history:

Received: 29 Mar 2024

Edition: 6 Jun 2024

Accepted: 19 Aug 2024

Published online: 21 Des 2024

Keywords:

Rescue, commitment to others, feeding the needy, civil and criminal liability.

Corresponding Author:

Fateme Azizzadeh

Address:

Iran, Tehran, Payam Noor University,
Department of Law.

Orchid Code:

Email:

fatazizzadeh21@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Commitment to saving others is one of the most important ways to preserve human life. The Holy Quran, in numerous verses, including verses 82 of Surah Al-Baqarah and 57 of Al-Imran, has called upon humans to do good deeds, and undoubtedly, one of the good deeds is saving a human life in times of danger.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: In jurisprudence and law, certain rulings and guarantees of execution have been proposed, and attempts have been made to determine the extent of the obligation and scope of this obligation in the relationship between the rescuer and the victim.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: First, from a legal perspective, the nature of the relationship between the rescuer and the victim has multiple contractual and compulsory aspects, each of which includes separate rulings. Second, although there is no explicit reference in jurisprudence to the rulings of the obligation to save another; however, with the unity of the criterion of feeding the needy, it is possible to search for its situational ruling in addition to the obligatory ruling; Third, considering the difference in the nature and rulings of the obligation to save another, the scope of the obligation can be an obligation by means or a consequence; Fourth, failure to fulfill the obligation to save another has contractual, compulsory and criminal guarantees.

Cite this article as:

Gorgin B, Splimani H, Azizzadeh F. Philosophical Schools of International and Islamic Law. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۳

بررسی ماهیت و احکام نجات غیر (جهت حفظ حق حیات در حقوق بشر)

بتول گرگین^۱، حمید سلیمانی^۲، فاطمه عزیززاده^{۳*}

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه غیر انتفاعی رهنویان دانش، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تعهد به نجات به غیر، از مهم‌ترین راه‌های حفظ حیات بشر است. قرآن کریم، در آیات متعددی از جمله آیات ۸۲ سوره بقره و ۵۷ آل عمران، انسان‌ها را به انجام عمل نیکو دعوت نموده است و بدون شک یکی از اعمال نیکو نجات جان انسانی به هنگام مخاطرات است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع نظری و روش آن صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: در فقه و حقوق احکام و ضمانت‌اجراهایی مطرح شده و سعی شده است تا میزان تکلیف و دامنه این تعهد در روابط میان نجات‌گر و قربانی مشخص شود. **ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: اولاً، از بعد حقوقی، ماهیت رابطه بین نجات‌گر و قربانی دارای جنبه‌های متعدد قراردادی و قهری است که هر یک احکام جداگانه‌ای را در برمی‌گیرد. ثانیاً، اگرچه در فقه، اشاره صریحی به احکام تعهد به نجات غیر نشده؛ ولی با وحدت ملاک از اطعام مضطر می‌توان علاوه بر حکم تکلیفی، حکم وضعی آن را جستجو کرد؛ ثالثاً، عنایت به وجه تفاوت در ماهیت و احکام تعهد نجات به غیر، دامنه تعهد می‌تواند تعهد به وسیله و یا نتیجه باشد؛ رابعاً، عدم انجام تعهد به نجات غیر دارای ضمانت‌های قراردادی، قهری و کیفری است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱-۸۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

نجات، تعهد به غیر، اطعام مضطر، مسئولیت مدنی و کیفری.

نویسنده مسئول:

فاطمه عزیززاده

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، گروه حقوق.

کد ارکید:

پست الکترونیک:

fatazizadeh21@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

می‌فرماید: « و اذا مسکم الضر فی البحر ضل من تدعون الا اياه فلما نجاکم الی البر اعرضتم» (سوره اسرا / ۶۷). در این آیه خدای بزرگ خود را به عنوان اصلی ترین ناجی انسان معرفی می‌نماید و در جای دیگر بحث نجات انسان‌ها توسط یکدیگر مطرح می‌شود که می‌توان آن را از مصادیق آیه «تعاونوا علی البر و التقوی» برشمرد. این آیه اعلام می‌کند باید به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید و یکی از مصادیق کمک به هم بلاشک نجات انسان‌ها به هنگام ضرورت است. از آیه فوق، تعاون و همبستگی اجتماعی استنباط می‌شود و انسان‌ها به مشارکت در امور نیک دعوت می‌شوند.

بحث نجات جان دیگری همواره مورد توجه فقها و مقنن نیز بوده است. هرچند فقها اعم از متقدم و متأخر در خصوص موضوع نجات دیگری، مطالبی را مورد بررسی قرار داده اند، لیکن در فقه، باب مستقلی تحت عنوان نجات دیگری وجود ندارد و مسائل مطرح شده در این موضوع، کماکان به شکل تنقیح نشده در کلام فقها باقی مانده است (غفوری فارسانی، ۱۳۹۴، ۲۸). به نظر می‌رسد باز کردن باب مستقلی در این خصوص و روشن کردن مقرراتی در این راستا، سبب خواهد شد که حق حیات به عنوان مهم‌ترین و اصلی ترین حقوق بشری به شیوه بهتری حفظ شود. چون وضع مقررات مناسب، ضمن مشخص کردن احکام تعهد به نجات دیگران، دامنه این تعهد را نیز معلوم می‌سازد.

در زمینه قانونی از جمله نوآوری‌های مربوط به مسئولیت در برابر نجات دیگری، تصویب ماده واحده مصوب ۱۳۵۴ تحت عنوان «قانون مجازات خودداری

در دین مبین اسلام، حق حیات به عنوان یکی از حقوق مسلم هر انسانی به شمار می‌رود و برای آن ارزش فراوانی قائل است. به گونه‌ای که در آیه ۳۲ سوره مائده آمده است: «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است». در راستای حفظ حیات است که اصل ۲۲ قانون اساسی به تأسی از آموزه‌های دینی هرگونه تعرض به جان، مال و حیثیت را تنها به حکم قانون مجاز دانسته است؛ لذا هر عمل یا ترک عملی حق حیات را به خطر بیندازد ناپسند و از دید مقنن مستوجب مجازات است. حفظ حیات یک موضوع شخصی نیست، بلکه چون انسان موجودی اجتماعی است حفظ حیاتش در گرو حفظ حیات دیگران نیز می‌باشد. به همین خاطر در موقعی که جان یک انسان در خطر می‌باشد نجات وی، برای اجتماع حیاتی‌تر جلوه می‌نماید. تاریخ هرگز، قصه رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های انسان‌ها در قبال یکدیگر به هنگام وقوع مخاطرات را از یاد نبرده است (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ۱۶).

نجات در لغت از ماده «ن. ج. و» هست و معنای مشترک در این ریشه کنار زدن و خلاص نمودن است. در قرآن نیز در ۷۵ آیه، کلمه نجات و مشتقات آن آمده است و از آنجایی که در برخی آیات، این کلمه تکرار شده است. بنابراین موارد استعمال آن به ۸۴ مورد می‌رسد؛ چون واژگان «فوز و فلاح» هم شامل معنا و مفهوم نجات می‌باشد (بهارزاده و سروی، ۱۳۸۵، ۸۴). در قرآن، حجم زیادی از آیات مشتمل بر نجات، ناظر بر مفهوم خلاص و رهایی از مخاطرات و مهلکه‌های دنیوی است. برای نمونه آنجا که خدا

از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی» بوده است که در باب کیفری، اقدام شایسته‌ای را رقم زد. لکن در باب حقوق مسئولیت مدنی برای جبران خسارات وارده به ناجی و قربانی باید به قواعد عام مسئولیت مدنی رجوع نمود. با این وجود به نظر می‌رسد که هنوز در خصوص موضوع نجات غیر و احکام آن تاریکی‌هایی وجود دارد که عمده‌ترین آن در این مقاله بررسی می‌شود. اولاً، ماهیت و احکام تعهد به نجات غیر چیست؟ دوم اینکه ضمانت اجرای نجات غیر کدام است؟

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است. از روش کتاب‌خانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که در فقه و حقوق احکام و ضمانت‌اجراهایی مطرح شده و سعی شده است تا میزان تکلیف و دامنه این تعهد در روابط میان نجات‌گر و قربانی مشخص شود.

۵- بحث

۵-۱. چیستی تعهد به نجات غیر

تعهد، مصدر باب تفاعل و ریشه آن، واژه عهد است که به معنای وصیت، امان، سوگند، ذمه و حفاظ، حفظ و نگهداری از چیزی و التزام آمده است(فراهیدی،

۱۴۰۹، ۱۰۲؛ جوهری، ۱۳۷۶، ۵۱۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۹۱؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ۵۴۵) در فقه، با واژه التزام مترادف است(سعدی، ۱۹۹۸، ۵؛ فرج توفیق، ۲۰۰۹، ۸). تعهد در معنای اسمی، معنای التزام دارد و در معنای مصدری یعنی بر عهده گرفتن انجام یا ترک فعل در برابر غیر است به نحوی که در برابر عوض باشد یا نباشد(حسنی، بی‌تا، ۳۹۰؛ تبریزی، ۱۴۱۶، ۵۸۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۳۹). این معنا در فقه کاربرد بیشتری دارد. بنابراین از دیدگاه فقها، تعهد یا التزام ممکن است به امر اعتباری و انشایی تعلق گیرد یا عمل مادی. در قلمرو شروط و التزامات عقدی، شرط نتیجه مصداق اولی و شرط فعل مصداق دومی است(موسوی خمینی، بی‌تا، ۳۴/۵) در علم حقوق، واژه تعهد در معنای عام، معادل الزام، التزام، شرط، اشتراط، عهد، عهده، ضمان، تکلیف و همچنین شامل تمام الزامات خواه الزامات قهری و قانونی ناشی از اسباب قهری، خواه الزامات ارادی و قراردادی آمده است(کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۱۹-۱۷؛ صفایی، ۱۳۵۱، ۲/۵-۶). در قانون مدنی نیز در پاره‌ای از موارد، واژه تعهد در معنای عام به کار رفته است. اما در معنای خاص، تعهد رابطه حقوقی بین دو شخص است که به موجب آن متعهد له می‌تواند متعهد را به انجام کار یا ترک کار یا انتقال مالی ملزم نماید(صفایی، ۱۳۸۸، ۱۲؛ یزدانین، ۱۳۹۲، ۷۱/۱). برخی در تعریفی مشابه، تعهد را یک رابطه حقوقی دانسته‌اند که شخص یا اشخاص معین، نظر به اقتضای عقد، یا شبه عقد یا شبه جرم و یا به حکم قانون، به دادن چیزی یا انجام فعل یا ترک فعل معین به نفع شخص یا اشخاص معین، ملزم و مکلف می‌شوند(شهیدی، ۱۳۸۴، ۴۲).

تعهد، مصدر باب تفاعل و ریشه آن، واژه عهد است که به معنای وصیت، امان، سوگند، ذمه و حفاظ، حفظ و نگهداری از چیزی و التزام آمده است(فراهیدی،

به نتیجه، تعهدی است که به موجب آن متعهد انجام کار معینی را بر عهده می‌گیرد به گونه‌ای که آن را به نتیجه مطلوب برساند مثل پیمانکاری که تعهد می‌کند پلی را ایجاد کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۵۴).

با توضیحات مطالب مارالذکر باید گفت در چیهستی تعهد به نجات دیگری در درجه اول، مراد از واژه تعهد می‌تواند هر دو مفهوم فقهی و حقوقی مدنظر باشد؛ یعنی همان وظیفه یا ضمانتی که شخص در برابر کسی یا برای چیزی، خود را ملزم به انجام آن می‌کند (تعهد مصدری) و این تعهد می‌تواند ناشی از قرارداد مستقیم باشد که به نظر می‌رسد تعهد در این جا در زمره تعهدات خاص قرار می‌گیرد؛ مثل تعهد پزشک در برابر بیمار خود و یا تعهد مربی شنا در برابر شناگر صغیر و یا حتی تعهد متصدیان وسایل حمل و نقل (مثل اتوبوس، قایق و کشتی و...) در برابر مسافران. یک گروه دیگر را نیز می‌توان به این نوع تعهد اضافه نمود و آن حالتی است که قربانی در جایی محصور باشد و مراقبینی دارد که به هنگام خطر به آنان دسترسی دارد مثل بیماران روانی در تیمارستان‌ها و یا زندانیان در زندان. به علاوه تعهد به نجات غیر، می‌تواند ناشی از ضمان قهری باشد که یک تعهد عام ایجاد می‌کند؛ یعنی گاهی هیچ نوع قراردادی اعم از مستقیم یا غیر مستقیم بین اشخاص وجود ندارد مثل اینکه شخصی در دریا به شناکردن مشغول باشد و ناگهان احساس غرق شدن کند و از شخصی که نظاره‌گر اوست با علم به اینکه توانایی نجات او را دارد، استمداد نماید؛ ولی شخص از کمک به وی خودداری نماید و یا برعکس به کمک او بشتابد. مسلماً کمک او جنبه اخلاقی دارد؛ اما

از منظر دیگر، تعهد به اعتبار منشأ قابل تقسیم است که به تعهد عقدی، شرطی، خارج از عقد و قانونی اطلاق می‌شود. هر تعهد ناشی از عقد را تعهدی عقدی می‌گویند، مانند تعهد بایع و مشتری به انتقال یا تسلیم مبیع و ثمن و تعهد مستأجر به پرداخت اجاره بها (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ۹۸۹). هرگاه منشأ تعهد شرطی باشد که در متن عقد قرار گرفته باشد، تعهد شرطی گفته می‌شود. همان‌طور که در ماده ۲۴۱ ق.م بیان شده است و این تعهد ممکن است به صورت شرط نتیجه یا فعل باشد. تعهد خارج از عقد، تعهدی است که از هر منشأ دیگری غیر از عقد ناشی شده باشد و یا از اعمال الزام‌آور از قبیل اتلاف و تسبیب باشد؛ گاهی منظور از تعهد خارج از عقد، تعهد تحمیلی و الزام قهری خارج از قرارداد است که در این صورت فقط به تعبیر قانون مدنی شامل الزاماتی است که خارج از عقد و بدون قرارداد حاصل می‌شود. تعهد قانونی، به تعهدی گفته می‌شود که منشأ آن نه عقد، ایقاع و شرط ضمن عقد است و نه مستقیماً ناشی از الزامات خارج از قرارداد است بلکه تعهدی است که قانون‌گذار نظر به مصالح اجتماعی و قطع نظر از خواست طرفین مستقیماً آن را به اشخاص تحمیل می‌کند مثل تعهد به تأدیه نفقه به اقارب (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ۱۰۸). اما قسم دوم، تعهد به اعتبار هدف و مفاد آن است که مهم‌ترین تعهدات در این خصوص تعهد به وسیله یا به نتیجه است. هرگاه مفاد تعهد مقتضی آن است که متعهد فقط باید تمام تلاش خود را در زمینه مراقبت از موضوع مصروف دارد و یا تمام توانایی خود را در جهت رساندن به هدف به کار گیرد هرچند که ممکن است مقصود نهایی که حصول نتیجه معینی است حاصل نگردد، تعهد به وسیله گفته می‌شود و تعهد

«اطعام مضطر» مطرح است که با بررسی آن می‌توان حکم تکلیفی و وضعی تعهد به نجات دیگری را به دست آورد.

اطعام مضطر فرضی است که در آن شخص از فرط گرسنگی به حالت اضطراری مبتلا شود و به غذای دیگری نیاز پیدا کند که این مقدار غذا، فراتر از نیاز صاحب غذا است. در واقع بین حق حیات گرسنه و حق مالکیت صاحب غذا تعارض به وجود می‌آید (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ۳۲۵). فقها در احکام مسئله وحدت نظر ندارند و دو دیدگاه قابل جست‌وجو است:

۵-۲-۱. قائلین به حکم تکلیفی (مطلق و مشروط)

برخی از فقها اگرچه قائل به حکم تکلیفی هستند؛ ولی آن را مشروط ملحوظ کرده‌اند. صاحب الوسيله آورده‌اند: «کسی که به طعام دیگری مضطر می‌شود و دیگری خود به آن نیاز داشته باشد حق ندارد آن را از تحت تصرف خود خارج کند؛ ولی اگر بدان محتاج نباشد و شخص مضطر طلب فروش آن را به خود نماید و مالک از فروش آن خودداری کند در این حال اگر مضطر ثمن را حاضر کرده باشد، مالک طعام به فروش مال اجبار می‌شود و در غیر این صورت اجبار نیست» (ابن الحمزه الطوسی، ۱۴۰۸، ۳۶۴). بنابراین، ایشان حق مالکیت صاحب غذا را بر حق حیات مضطر، برتر می‌دانند؛ زیرا در صورتی دادن غذا به مضطر را واجب می‌داند که خود مالک به آن محتاج نباشد. صاحب جواهر هم معتقدند که وجوب بذل طعام از سوی مالک در صورتی است که خود از آن بی‌نیاز باشد که در این صورت حفظ و حمایت از

وضعیت مسئولیت یا عدم مسئولیت چنین نجات‌گری چیست؛ در مباحث بعد تفصیلاً بررسی می‌شود.

در جایی که تعهد به نجات غیر مطرح باشد باید بررسی نمود که تعهد متعهد به نتیجه است یا وسیله؟ در فرض تعهد به نجات غیر برای این که تشخیص بدهیم آنچه متعهد بر عهده گرفته است تعهد به نتیجه بوده یا وسیله دوراه حل داریم یکی این که یا باید به موضوع تعهد دقت کرد به عبارتی باید دید چه چیزی توسط متعهد وعده داده شده است و متعهدله، چه انتظار معقولی از قرارداد داشته است و معیار بعدی این است که به اراده طرفین توجه نماییم؛ یعنی در تعهدات قراردادی اگر متعهد و متعهدله نتیجه را قصد کرده‌اند، تعهد به نتیجه است؛ ولی هرگاه متعهد، تنها متعهد به سعی و تلاش بر اساس احتیاط باشد، تعهد به وسیله است (تقی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۲، ۲۲۴). به نظر می‌رسد در تعهد به نجات غیر در جایی که بین طرفین قراردادی باشد تعهد به نتیجه است چون متعهد، نجات جان دیگری را بر عهده می‌گیرد و نمی‌توان تنها به انجام تلاش و کوشش وی رضایت داد خصوصاً در جایی که متعهد متخصص باشد مانند نجات غریق یا مربی شنا. ولی در جایی که بین نجات‌گر و قربانی، قراردادی نباشد به نظر می‌رسد تعهد به وسیله است مثلاً اگر شاهد غرق شدن شخصی باشیم و دیگری داوطلبانه و تنها از جهت اخلاقی به نجات وی اقدام می‌کند از چنین شخصی نمی‌توان انجام کار در حد کسب نتیجه قطعی را انتظار داشت.

۵-۲. احکام تعهد به نجات غیر

هرچند در فقه نیز اشاره مستقیم و صریح به تعهد به نجات غیر نشده است؛ ولی موضوعی تحت عنوان

می‌کند که با اعطای مال بر مضطر، به وی در جهت حفظ حیات باید کمک کند. در خصوص حکم وضعی نیز فرموده‌اند در صورت مطالبه مضطر، اگر مالک از دادن طعام ابا ورزد و مضطر فوت کند، ضامن است؛ زیرا مضطر به سبب اضطرارش، أحق از خود مالک بر مال وی است (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۵، ق. ۸، ۳۳۷). بنابراین حکم تکلیفی مبنی بر وجوب اعطای طعام به مضطر است و حکم وضعی ضمان صاحب مال نسبت به دیه مضطر است.

ابن قدامه هم قائل به احکام تکلیفی و وضعی در مسئله شده است. ایشان بیان می‌کنند اگر کسی به طعام و شراب دیگری مضطر شود و آن را از مالک غذا طلب کند در صورتی که وی در آن حال بدان بی‌نیاز باشد؛ اما آن را به او ندهد در برابر وی ضامن است؛ چون زمانی که او مضطر می‌شود به آنچه در ید مالک است أحق است و حق دارد تا آن را قهراً از او پس بگیرد و اگر او را منع کرد و بدین وسیله مسبب هلاکت او شد، ضامن است (ابن قدامه، ۱۳۹۲، ج ۹، ۵۸۰/۵۸۱).

در تحلیل احکام تعهد به نجات غیر با توجه به نظرات مختلف فقها در خصوص اطعام مضطر می‌توان گفت در جایی که تعهد به نجات غیر ناشی از قرارداد باشد (مانند قرارداد بین مربی شنا و کارآموز) متعهد یعنی مربی شنا باید تمام تلاش خود را برای نجات کارآموز خود انجام دهد؛ به عبارتی، حکم تکلیفی وجوب در این قرارداد جاری است و در این که این وجوب عینی است یا کفایی است به نظر می‌رسد اگر قید مباشرت، در انجام تعهد شده باشد؛ یعنی انجام فعل تنها از شخص متعهد خواسته شده باشد و امکان واگذاری انجام آن به غیر امکان‌پذیر نباشد و خصوصاً اینکه

جان و نفس دیگری واجب می‌شود (نجفی، ۱۳۶۹، ۴۳۲-۴۳۸).

شیخ طوسی در این خصوص دو نظر متفاوت را بیان داشته‌اند. وی در کتاب مبسوط قائل به حکم تکلیفی وجوب شده است و آورده‌اند اگر انسانی به طعام دیگری مضطر شود بر صاحب طعام است که طعام خود را به مضطر دهد (طوسی، ۱۳۸۷، ۴). دلیل آن را بر مبنای روایتی می‌داند که برخی از زبان امام صادق (ع) (شیخ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ۳۶۸؛ شیخ الصدوق، ۱۴۰۴، ۹۴/۴) و برخی از زبان پیامبر (ص) (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ق. ۴؛ قاضی ابن البراج، ۱۴۱۱، ج ۲۰۸) نقل کرده‌اند. اما در کتاب خلاف، بر پذیرش وجوب اعطای طعام از سوی مالک به دیگری عدول می‌کند و بیان می‌کنند فرض که کسی به طعام دیگری مضطر گردد بر صاحب طعام واجب نیست که آن را به او اعطا کند که در این صورت، حال مضطر از دو جهت خارج نیست: یا در همان حالت در شهرش واجد ثمن است یا نیست؛ اگر واجد ثمن است بر صاحب طعام واجب نیست به وی طعام دهد مگر در صورت پرداخت عوض و اگر واجد ثمن نباشد بر او واجب است تا بدون دادن بدل، طعام را به او بدهد (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ۹۵/۶). بنابراین، اگرچه شیخ طوسی در کتاب‌های مختلف خود، نظر دوگانه‌ای را برگزیده است؛ ولی قائل به حکم وضعی نشده است.

۵-۲-۲. قائلین به حکم تکلیفی و وضعی

علامه حلی از جمله کسانی است که قائل به حکم تکلیفی و وضعی در مسئله شده است. ایشان آورده‌اند که حق حیات مضطر بر حق مالکیت صاحب غذا ارجح است و بر صاحب غذا این حکم تکلیفی را بار

جایی که قراردادی نیست؟ علامه حلی در این خصوص می‌گویند: «اگر کسی به طعام یا آب متعلق به دیگری نیاز فوری پیدا کند و آن را از او مطالبه کند در صورتی که مالک از آن بی‌نیاز باشد، باین حال مضطر را از آن منع کند، ضامن آن چیزی است که از او طلب شده است؛ زیرا مضطر باحال اضطرار خود به آن طعام و غذا سزاوارتر است و حق دارد آن را بازور از مالک بستاند. پس اگر مالک از او مضایقه کند و مضطر فوت شود مالک سبب فوت وی شده است.» ابن حمزه نیز در این خصوص بیان می‌دارد: «اگر کسی به طعام دیگری مضطر شود و آن دیگری خود بدان محتاج باشد حق ندارد آن را از تحت تصرف خود خارج گرداند؛ ولی اگر بدان محتاج نباشد و مضطر از او طلب فروش آن را به خود کند، اگر از فروش آن خودداری ورزد در حالی که مضطر ثمن را حاضر کند، به فروش آن اجبار می‌شود» (طوسی، ۱۴۰۸، ق، ۳۶۴). به نظر می‌رسد بتوان یکی از مصادیق مطالبه مضطر را مطالبه بیمار از پزشک دانست. در جایی که بیمار به مطب پزشک مراجعه می‌کند و از وی مطالبه درمان می‌کند؛ ولی پزشک در درمان وی کوتاهی می‌ورزد. در این خصوص فقها نظرات مختلفی دارند ابن ادریس حلی در این خصوص می‌گوید: «هرگاه بیمار عاقل و مکلف باشد، اگر پزشک را به انجام دادن کاری امر کند و پزشک مطابق امری که به او شده اقدام کند، ضامن نخواهد بود؛ خواه از وی بیمار براءت گرفته باشد یا نگرفته باشد» (ابن ادریس حلی، ۱۴۰۳، ۳/۳۷۳). یعنی مطابق این نظر تعهد پزشک، تعهد به وسیله است. در مقابل، دیدگاه مشهور فقیهان امامیه بر آن است که پزشک ماهر و مأذون، هرچند از وظیفه خود کوتاهی نکرده و مرتکب تقصیر نشده باشد؛ اما با این حال او ضامن

تعهد ناشی از قراردادها را تعهد به نتیجه تلقی کنیم، واجب عینی است و در صورت عدم انجام فعل، متعهد ضامن (حکم وضعی) است. اگرچه نظر فقیهانی چون علامه حلی در خصوص حکم تکلیفی و وضعی اطعام مضطر ناشی از قرارداد نیست؛ ولی در خصوص تعهدات ناشی از نجات غیر که در قالب قرارداد می‌گنجد، می‌توان از نظر ایشان وحدت ملاک گرفت. اما باید ملاحظه کرد اگر در قرارداد قید مباشرت نشده باشد به گونه‌ای که اگر خود متعهد انجام ندهد به خرج متعهد، دیگری بتواند انجام دهد در این حال اگرچه واجب کفایی حاصل می‌شود؛ ولی حکم وضعی ضمان متعهد در برابر متعهدله باقی است مگر این که متعهد به علت خارجی استناد کند و با استناد به عامل خارجی خود را در برابر متعهدله مبرا سازد. در جایی که رابطه بین نجاتگر و قربانی قراردادی نباشد به نظر می‌رسد نجات غیر واجب کفایی است و در صورت عدم انجام آن، حکم وضعی ضمان به پرداخت دیده وجود دارد.

۵-۳. دامنه تعهد به نجات غیر

در خصوص دامنه تعهد به نجات غیر می‌توان موضوع را از شقوق مختلف بررسی کرد. یکی اینکه شخص مضطر مطالبه و درخواست خود را مطرح می‌کند و در جایی که وی آن را مطرح نمی‌سازد. این مطالبه می‌تواند بر اساس نیاز مضطر باشد یا عدم نیازش. در ذیل بدان پرداخت می‌شود.

۵-۳-۱. مطالبه مضطر

در بدو مسئله، سؤال اساسی قابل طرح اینکه تکلیف به نجات غیر چه زمانی به وجود می‌آید؟ آیا قربانی می‌بایست از نجاتگر طلب کمک نماید خصوصاً در

صدمه و یا تلف تحقق یافته است؛ زیرا تلف یا صدمه ی مذکور، مستند به اوست و همین امر کافی در موجب ضمان است و لذا مشهور، تعهد پزشک را یک تعهد به نتیجه می دانند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴/ ۲۳۲، عاملی (شهیداول)، ۱۴۱۰، ۲۷۵، عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۱۲، ۲/ ۴۱۹). لازم به ذکر است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز دامنه تعهد پزشک تعهد به نتیجه بیان شده بود در حالی که در مصوب ۱۳۹۲ تعهد به وسیله مطرح شده است. نگارنده با نظر مشهور که تعهد پزشک را به نتیجه می دانند و نیز قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ موافق و همراه است مخصوصاً این که بین پزشک و بیمار قراردادی باشد و قرار باشد درمان و یا جراحی در مطب شخصی پزشک هم صورت گیرد به دلیل اینکه پزشک با جان انسان‌ها سروکار دارد علی‌الخصوص که امروزه شاهد عملیات جراحی زیبایی هستیم که یک تخصص و تبحر بالایی را نیز دارد و چه بسا اگر این جراحی‌ها به درستی انجام نشود نه تنها آسیب جسمی بلکه آسیب‌های روانی زیادی را هم برای بیمار به دنبال دارد. شاید بتوان نظر کسانی که تعهد پزشک را به وسیله می‌دانند تنها در یک مورد پذیرفت که پزشک در بیمارستان مشغول به کار است و مسئولان بیمارستان، بیماری را بر حسب اضطرار و درمان فوری به وی معرفی می‌کند.

۵-۳-۲. عدم مطالبه مضطر

مورد دیگر زمانی است که مضطر مطالبه خود را مطرح نمی‌سازد. در این خصوص برخی فقها مانند علامه حلی و ابن حمزه می‌گویند اگر مضطر مطالبه نکند ضمانی برای شخص مالک طعام نیست. اما به نظر می‌رسد نمی‌توان از این موضع به این سادگی

گذشت. درست است که مطابق نظر فقهای امامیه ترک فعلی ایجاد مسئولیت می‌کند که فعل آن مقذور بوده و وظیفه‌ای از نظر قانونی، شرعی و عرفی در این زمینه موجود باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳، ۶۶) ولی در این جا چندین موضوع مطرح می‌شود که پاسخ به برخی از آنها ساده نیست. یکی اینکه خود شخص مضطر تقاضای کمک نمی‌کند و اوضاع و احوال هم بر ضرورت کمک دلالت ندارد و یا خود مضطر به صراحت از دریافت کمک امتناع می‌ورزد نتیجه این است که صاحب طعام تکلیفی در قبال او ندارد و تقصیری هم متوجه او نیست. موضوع دیگر این است که اوضاع و احوال بر ضرورت کمک دلالت دارد؛ اما مضطر تقاضای کمک ندارد آیا در این جا صاحب طعام مکلف به کمک است؟ برخی در این خصوص گفته‌اند: «اگر تقاضایی از سوی قربانی و یا مصدوم نباشد مسئولیتی نیز برای دیگری نیست. اما به نظر می‌رسد باید در این مورد قائل به تفکیک موضوع شویم. اولاً در جایی که قربانی یا مصدوم به هر علت نظیر: عدم اطلاع از خطری که او را تهدید می‌کند، بیهوش بودن، عدم اطلاع از وجود یاری‌رسان بالقوه، توانایی درخواست کمک را نداشته باشد، به‌طور یقین یاری‌رسان (در فرض ما صاحب طعام) مکلف به نجات وی است. ثانیاً، در فرضی که قربانی یا مضطر، با وجود توانایی تقاضای کمک نمی‌کند، درحالی که اوضاع و احوال کاملاً بر ضرورت کمک به او جهت حفظ جاننش دلالت دارد، نیز باید میان دو فرع تفاوت نهاد:

الف- گاه مسلم است که قربانی یا مضطر به هر علت، کاملاً مخالف هرگونه کمک و مداخله یاری‌رسان است، در این صورت تکلیفی برای یاری‌رسان در قبال او نیست. مثال بارز در این خصوص کسانی

آن‌ها حاکم باشد اگر به تعهد خود عمل نکند آیا بر آن مسئولیت بار می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، باید زوایای مختلف مسئله مورد ملاحظه قرار گیرد؛ زیرا عدم رعایت قرارداد فی‌مابین ممکن است ضررهای متعددی را به دنبال داشته باشد: فرض کنیم رابطه قراردادی بین پزشک و بیمار یا بین متصدی حمل و نقل و مسافر وجود دارد و متعهد تعهد خود را در برابر وی انجام ندهد اولاً چه ضررهایی ممکن است محقق شود؟ ثانیاً در صورت وقوع ضرر، مسئولیت بر چه مبنایی قرار می‌گیرد؟

یکی از اقسام ضرر، ضرر مادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۴۲/۱). در تعهد به نجات غیر اگر متعهد به متعهدله ضرر مادی وارد کند قابل جبران می‌باشد. زیرا در صورت احراز رابطه سببیت بین فعل زیان بار و وقوع ضرر، تردیدی در جبران آن وجود ندارد. آیا ضرر وارد بر منافع نیز قابل وصول است؟ چون منافع به دو دسته احتمالی و قطعی قابلیت تقسیم را دارد. قوانین و مقررات مختلفی در کشور ما بر امکان مطالبه خسارت عدم النفع دلالت داشته و دارد. براساس ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، در صورتی دادگاه حکم به خسارت می‌دهد که مدعی خسارت اثبات می‌کرد که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر یا عدم تسلیم محکوم به بوده است. و نیز در ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن و دفن می‌باشد. اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد». ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در بند دوم خود به

هستند که قصد خودکشی دارند. زیرا کسی که برای حیات خود ارزش قائل نیست چگونه می‌توان دیگران را به احترام گذاشتن و حفظ حیات او ملزم نمود (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ۳۲۱).

ب- در موردی که اوضاع و احوال قضیه بر نیاز قربانی به کمک او بر یاری‌رساندنش دلالت دارد و بر زبان نمی‌آورد؛ اما در دل خواهان آن است، مثلاً زنی است در حال غرق شدن، لیکن به لحاظ عقاید مذهبی، از تماس دستان نامحرم با خود معذب است؛ اگرچه شرع آن را به لحاظ اضطرار روا می‌دارد از نامحرمی که بر لب رودخانه ایستاده است لفظاً تقاضای کمک نمی‌کند؛ اما چشم بر همت او دارد به نظر می‌رسد در این موارد می‌توان حکم به الزام یاری‌رسان داد و ترک کمک از طرف او را تقصیر دانست. (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷، ۳۲۳).

موضوع دیگر این است که اگر اوضاع و احوال بر ضرورت کمک به قربانی یا مضطر دلالت نکند؛ ولی ایشان مطالبه کمک کنند آیا باز هم یاری رسان مکلف است آن‌ها را یاری کند؟ نگارنده معتقد است که الزام افراد به کمک را باید محدود به مواقعی دانست که وضعیت کاملاً اضطراری باشد و در صورت عدم کمک، مرگ یا صدمه شدید بدنی قریب‌الوقوع باشد.

۴-۵. ضمانت اجرای عدم انجام تعهد نجات غیر

۴-۵-۱. مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی دارای ارکان وجود ضرر یا خسارت، ارتکاب فعل زیان‌بار و رابطه سببیت بین فعل و ضرر است؛ بنابراین، نجات‌گری که تعهد به نجات دیگری دارد در جایی که قراردادی بر رابطه

جبران خسارت عدم النفع اشاره کرده است. در همه این موارد منظور جبران عدم النفع‌های قطعی است. اگر در اثر ترک نجات، صدمه معنوی حاصل شود آیا قابلیت جبران دارد؟ از آنجاکه در مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ ق.م.م. ضرر معنوی پذیرفته شده است. لذا این ضرر قابل جبران است و شخص در قبال آن ضمان دارد مثلاً وقتی که بیمار با پزشک قرارداد داشته و قانوناً و اخلاقاً از پزشک توقع داشته که خصوصاً در جایی که جاننش در معرض خطر قرار گرفته به او کمک کند ولی پزشک در انجام تعهدات قراردادی خود کوتاهی کرده و در صورت نقض این تکلیف، به بیمار صدمات روحی وارد شده باشد در این صورت پزشک ضامن است و قاضی به استناد ماده ۳ ق.م.م. می‌تواند میزان و کیفیت جبران را با توجه به اوضاع و احوال قضیه مشخص کند.

۵-۴-۲. مسئولیت غیر قراردادی

در فرض ما هم بسیار اتفاق می‌افتد که بین قربانی و کمک‌کننده قراردادی نباشد. در این فرض دو موضوع متصور است یکی این که گاه قربانی آسیب می‌بیند و دیگری این که گاه این کمک‌کننده است که در این حادثه ضرر و زیان می‌بیند. برای مثال شخصی در حال سوختن در آتش یا غرق شدن در هنگام شنا باشد و از شخص یا اشخاص نظاره‌گر، تقاضای کمک کند حال اگر شخص نظاره‌گر اقدام به کمک قربانی نماید و خسارتی به قربانی حاصل شود آیا قابل مطالبه و جبران است یا خیر؟ از نظر فقهی به موجب قاعده احسان (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ۴/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۳۰۸) که مبنای ماده ۱۰ ق.م.م. است، شخص ضامن نیست منتها در م سه حالت قابل بررسی است: اول اینکه ایجاد ضرر برای شخص

قربانی به قصد احسان به وی باشد؛ یعنی اگر شخصی ببیند فردی در آتش می‌سوزد و برای حفظ جان و دفع ضرر از او مجبور شود لباس او را پاره کند در این صورت ضامن قیمت لباس نخواهد بود؛ زیرا وی قصد احسان و خدمت به صاحب لباس را داشته است (تقی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۲، ۱۹۸). دوم، احسان بر غیر با اضرار بر خود؛ یعنی ایجاد ضرر برای نجاتگر به قصد احسان قربانی باشد در این صورت قربانی پس از نجات از خطر، باید جبران خسارت کند که این قسم نیز مشمول قاعده احسان دانسته شده است. اما حالت سوم احسان به غیر با اضرار به دیگری همراه است، هرچند برخی حقوق‌دانان، این قسم را نیز مشمول قاعده احسان می‌دانند؛ ولی برخی دیگر معتقدند که این قسم از قاعده احسان خارج است (هوشمند فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۸۵). یعنی اگر نجاتگر برای نجات جان قربانی، به ثالث آسیب برساند در این حالت به نظر خود قربانی مسئول است؛ زیرا نجاتگر به قصد احسان و نجات وی وارد شده است و قصدش مستقیماً متوجه قربانی است و اگر در این فرض نجاتگر را مسئول بدانیم چه بسا اهمیت مسئله نجات دیگری در جامعه بی‌ارزش شود و اشخاص از ترس این که مسئول قرار گیرند از نجات دیگران خودداری نمایند؛ البته باید توجه داشت در همه حالات‌های مذکور ضرری قابلیت جبران دارد که برای قربانی احتراز ناپذیر یا خارج از توان باشد و در مواردی که بی‌مبالاتی و کاهلی قربانی به اثر فعل زیان‌بار دامن زده و باعث اضرار شده است، باید ضرر را ناشی از اقدام شمرد. بعلاوه قربانی نیز باید در احتراز از خطر و جلوگیری از گسترش میزان ضرر در حدود متعارف بکوشد و اثر کاهلی او بر عهده دیگری نیست.

۵-۴-۳. مسئولیت جزایی

جهت بررسی مسئولیت کیفری در تعهد به نجات غیر باید ماده واحد قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ ملاحظه شود؛ بر اساس آن انجام امداد جهت نجات غیر هر چند یک تکلیف قانونی است؛ ولی قانون‌گذار آن را منوط به توانایی شخص نجات‌دهنده کرده است. پس یک طرف قانون‌گذار با امر کمک به دیگری اصول قانون اساسی و اسناد بین‌المللی را در مورد حق حیات تضمین کرده است و از طرفی این کمک را یک واجب کفایی قرار داده است؛ چون در متن ماده واحد آمده اگر شخص خودش توانایی انجام جلوگیری از خطر را دارد آن را انجام دهد و گرنه برای جلوگیری از خطر و یا تشدید آن از دیگران و یا مقامات مربوطه کمک بگیرد. در این قسمت سؤالی قابل طرح است که با توجه به بند دوم ماده واحد که دولت را مکلف کرده در شهرها و راه‌ها، احتیاجات مراکز درمانی را مرتفع سازد. لذا اگر دولت از انجام این وظیفه خودداری ورزد یا این وظیفه را به صورت ناقص انجام دهد و در صورت رخ دادن حادثه، وسایل انتقال وجود نداشته باشد که مصدوم را به موقع به مراکز درمانی منتقل کند یا با تأخیر این امر انتقال صورت گیرد و یا در صورت انتقال، مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی رسیدگی لازم را نسبت به مصدوم روا ندارند و در نتیجه آسیب وارده به مصدوم تشدید شود شخص مصدوم برای جبران خسارت آیا می‌تواند به هر دو رجوع کند یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت طبق ماده ۱۴ ق.م. ماصل اشتراک در مسئولیت، اسباب متعدد است و شخص

مصدوم حق دارد به هر یک جهت اخذ خسارت رجوع نماید.

۶. نتیجه

تعهد به نجات غیر دارای ماهیت دوگانه قراردادی و غیرقراردادی است که چنانچه تعهد قراردادی به شکل شرط در قرارداد درج شود یک شرط فعل مادی مثبت قلمداد می‌شود که ضمانت اجرای آن نخست اجبار نجاتگر و نهایتاً فسخ قرارداد است. تعهد به نجات غیر به صورت قراردادی و غیر قراردادی در تقسیمات تعهدات به ترتیب تعهد خاص و عام تلقی می‌شود. به علت ماهیت چندگانه تعهد به نجات غیر، احکام حقوقی و فقهی آن متفاوت است. از منظر فقهی این تعهد، واجب کفایی است. اما حکم حقوقی مسئله در جایی که فی‌مابین طرفین قراردادی با قید مباشرت در انجام تعهد باشد، واجب عینی است و متعهد در صورتی که عدم انجام تعهد باید از متعهدله جبران خسارت نماید (حکم وضعی). ولی در جایی که در قرارداد قید مباشرت نشده باشد، واجب کفایی تلقی می‌شود و واگذاری انجام تعهد به دیگری موجب رفع مسئولیت از متعهد نخواهد شد. در جایی که بین طرفین قراردادی وجود نداشته باشد، واجب کفایی است و حکم وضعی مسئولیت از متعهد نیز برداشته می‌شود. دامنه تعهد به نجات غیر بین زمانی که شخص مضطر یا قربانی مطالبه می‌کند و در جایی که مطالبه نمی‌کند متغیر است.

در مسئولیت قراردادی، اقسام ضررهای قربانی اعم از مادی، معنوی و بدنی قابل مطالبه است حتی منافی که متعهد له در نتیجه برهم خوردن موقعیت عملی خود از دست داده باشد؛ اما فرض دوم درجایی که بین نجاتگر و قربانی هیچ‌گونه قراردادی نباشد در

زمره قاعده احسان قلمداد می‌شود. مسئولیت کیفری تعهد به نجات غیر بر اساس ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ قابل ملاحظه است. از لحاظ مدنی، نهادهای موازی از قبیل دولت، مراکز درمانی دولتی و خصوصی که در وظیفه خود در برابر قربانی کوتاهی کرده‌اند، مسئولیت مدنی دارند.

نهایتاً با توجه به اهمیت تعهد به نجات غیر که از جمله تعهداتی است که با حق حیات بشر ارتباط دارد وضع قوانین مناسب مخصوصاً جایی که تعهد به صورت قهری انجام می‌شود، ضرورت دارد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم
- آل یاسین، محمدحسین؛ اسماعیل بن عباد صاحب بن عباد، المحيط فی اللغه، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۴ه.ق.
- ابن ادريس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور، السرائر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ه.ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنيه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۲ه.ق.
- ابن حمزه الطوسی، ابی جعفر، محمد بن علی، الوسیله الی نیل الفضیله، تحقیق: محمد الحسون، قم، مکتبه السید المرعشی، ۱۴۰۸ه.ق.
- بهارزاده، پروین؛ سروی، فاطمه، «مفهوم نجات و سیمای نجات یافتگان در قرآن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره اول، ۱۳۸۵.
- تقی زاده، ابراهیم؛ هاشمی، سید احمدعلی، مسئولیت مدنی (ضمن قهری)، چاپ دوم، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۹۲.
- تبریزی، جواد، ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۶ه.ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی حقوق تعهدات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ه.ق.
- حسنى، هاشم معروف، نظريه العقد فى الفقه الجعفرى، بیروت، مکتبه هاشم، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدارالشامیه، ۱۴۱۲ه.ق.
- سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهی، دمشق، سوریه، ۱۹۹۸.
- سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ه.ق.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- شیخ الصدوق، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ه.ق.
- شیخ طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الخلاف، تحقیق: سید جواد شهرستانی، سید علی خراسانی و محمد مهدی نجف، قم، مؤسسه النشریه الاسلامیه، ۱۴۱۷ه.ق.
- _____، المبسوط، تحقیق محمدباقر البهبودی، المکتبه المرتضیه، ۱۳۸۷ه.ق.
- _____، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸ه.ق.
- شیخ کلینی، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ه.ق.
- صفایى، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادهای، تهران، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.

- قواعد عمومی قراردادها: دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان ۱۳۸۸.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیع، مؤسسه نشر الاسلامیه، ۱۴۱۸ ه.ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، اللعه دمشقیه، بیروت، دارالتراث الاسلامیه، ۱۴۱۰ ه.ق.
- عاملی، زین العابدین بن نورالدین (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللعه دمشقیه، نجف، چاپ بری، ۱۴۱۲ ه.ق.
- غفاری فارسانی، بهنام، مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات دیگری، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
- غفاری فارسانی، بهنام، «تکلیف به نجات افراد در معرض خطر و ضمانت اجراهای آن در آرای فقهی امامیه»، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۴، ۱۳۹۴.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ه.ق.
- فرج توفیق، حسن جمال، مصادر و احکام الالتزام، بیروت، منشورات الحلبي، ۲۰۰۹ ه.ق.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- قاضی ابن البراج، جواهر الفقه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ه.ق.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
- حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴.
- ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، طهران، مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی، ۱۳۸۵.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، کتاب البیع، قم، دارالعلم، بی تا.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، چاپ سوم، انتشارات الهادی، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۲ ه.ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق: محمود القوچان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ ه.ق.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین؛ احسانی، احمد، سیادت، سید محمد حسن، پور موسوی، رضا، «احسان بر خود»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱، پیاپی ۵۳، ۱۴۰۰.
- یزدانیان، علیرضا، درس‌هایی از حقوق مدنی تطبیقی، مطالعات تطبیقی در حقوق تعهدات، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.



شپه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی